



# افشاگری و امنیت ملی: بایسته‌ها و راهکارها

دکتر علیرضا رحیمی\*

## اشاره:

انتشار موارد مطرح‌شده در نشست محرمانه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی و وزارت امور خارجه، یکی از وقایعی است که به مثابه برخی رخدادهای چند ماهه اخیر (حقوق‌های نجومی، املاک نجومی و غیره)، دارای سرشتی افشاگرانه است و به مانند این رخدادها صف‌آرایی جریان‌های سیاسی بر محور این پدیده افشاگرانه را سبب‌ساز شده است. در نوشتار زیر تلاش می‌شود تا با ارائه قالبی تئوریک برای بررسی پدیده‌های افشاگرانه، این پدیده‌ها به‌طور عام و انتشار موارد محرمانه به‌طور خاص، بررسی شده و بایدها و نبایدهای آن مورد تأمل قرار گیرد.

## مقدمه

پس از تمدید تحریم‌های ایسا علیه ایران، نشست کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی با وزارت خارجه، به این موضوع اختصاص یافت. اگرچه این نشست از جمله نشست‌های منظم کمیسیون امنیت ملی و وزارت خارجه به‌شمار می‌رفت، ولی بنا به تأیید سخنگوی کمیسیون مذکور، دارای محتوای محرمانه بود. با وجود این، یکی از اعضای کمیسیون امنیت ملی، برخی مطالب مطرح‌شده در این نشست را رسانه‌ای کرد. در واکنش به این اقدام، نوعی صف‌آرایی سیاسی در حمایت و یا مخالفت با آن در عرصه سیاسی و رسانه‌ای کشور شکل گرفت. مخالفان ضمن تأکید بر انتشار ناقص و گزینشی مطالب مطرح‌شده در کمیسیون، بر ضرورت حفاظت از محتوای محرمانه جلسات تأکید داشتند و افشای آن را خلاف منافع ملی

تلقی کردند. اما موافقان موارد رسانه‌ای شده را فاقد محتوای طبقه‌بندی شده دانسته و از رفتارهای نامتعادل وزارت خارجه و حامیان دولت گلایه کردند. کمیسیون امنیت ملی مجلس نیز با انتشار بیانیه‌ای بر ضرورت توجه به قواعد حاکم بر این کمیسیون اشاره کرده و رسانه‌ای شدن موارد طرح‌شده در نشست یادشده را واقعه‌ای تلخ و نوعی هنجارشکنی و حاشیه‌سازی توصیف کرد و اکثریت اعضای این کمیسیون را معترض به این امر دانست.

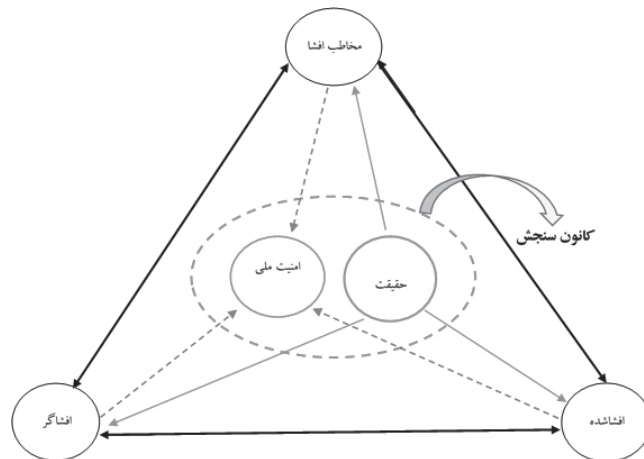
حادثه یادشده زمانی اتفاق افتاد که به موازات آن و در فاصله زمانی قبل و بعد از این ماجرا، پدیده‌های دیگری با خصلت افشاگرانه نظیر پرداخت‌های غیرمتعارف به مدیران دولتی، واگذاری املاک شهرداری، حساب مالی قوه قضاییه، کمک‌های مالی به ستاد انتخاباتی دولت و غیره به وقوع پیوست. این امر نشان‌گر آن است که پدیده افشاگری به یکی از عارضه‌های عرصه سیاسی کشور تبدیل شده است. بنابراین، موضوع رسانه‌ای شدن جلسه محرمانه کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس را باید در بطن پدیده افشاگری مورد تأمل قرار داد. لذا در اینجا تلاش می‌شود که قالبی متدولوژیک برای بررسی پدیده افشاگری ارائه گردیده و با استفاده از این چشم‌انداز نظری، پدیده افشاگری به‌طور عام و موضوع کمیسیون امنیت ملی به‌طور خاص، مورد بررسی قرار گیرند.



## چهار چوب نظری

مقوله افشاگری دارای سه پایه اصلی است: اول، «افشاگر» که فرد، گروه یا نهاد افشاکننده یک موضوع را در برمی‌گیرد؛ دوم، «افشاشده» که به فرد، گروه یا نهاد مورد افشاگری قرار گرفته، اشاره دارد؛ و سوم، «مخاطب افشا» که مراد از آن جامعه طرف مخاطب افشاگری است. میان افشاگر، افشاشده و مخاطب افشا، روابطی متقابل در جریان است (پیکان‌های دوجانبه که در شکل شماره یک رسم گردیده‌اند و اضلاع مثلث ارتباطی میان افشاگر، افشاشده و مخاطب افشا را در برمی‌گیرند، نشان‌دهنده این موضوع می‌باشند). در وهله اول، افشاگر درصدد تأثیرگذاری بر افشاشده و مخاطب افشا است و مخاطب افشا نیز از طریق واکنش‌های خود بر افشاشده تأثیر می‌گذارد. اما به محض جفافادن موضوع مورد افشا و اجتماعی شدن آن، افشاشده از خود واکنش‌هایی بروز می‌دهد که هدف آن تأثیرگذاری بر افشاگر و جامعه مخاطب است. بازخوردهای این واکنش‌ها نیز از طرف جامعه مخاطب به افشاگر و افشاکننده بازمی‌گردد. از این روست که مطابق با شکل شماره یک، روابط متقابلی میان سه پایه اصلی مقوله افشا شکل می‌گیرد.

### شکل شماره (۱): سه پایه مقوله افشاگری، پارامترهای سنجش این مقوله و روابط متقابل آن‌ها



برای آنکه یک پدیده افشاگرانه را بتوان مورد ارزیابی و سنجش قرارداد، باید مؤلفه‌هایی را برای این سنجش در نظر گرفت. نسبت مقوله افشاگرانه با واقعیت و تأثیر آن بر امنیت ملی، دو مؤلفه بنیادی هستند که در این رابطه قابل استنادند (البته پارامترهای دیگری مانند منافع

ملی نیز قابل طرح هستند، اما از آنجا که امنیت ملی تا حدودی عینی‌تر و کمتر مناقشه‌آمیز است، از این مفهوم استفاده شده است). بنابراین همان‌گونه که شکل شماره یک نشان می‌دهد، کانون سنجش مقوله افشاگری یک کانون دوهسته‌ای است که هسته‌های آن را «حقیقت» و «امنیت ملی» تشکیل می‌دهند. هریک از پایه‌های مقوله افشاگری (افشاگر، افشاشده و مخاطب افشا)، بر حسب کنش‌ها و واکنش‌های خود، امنیت ملی را تحت تأثیر قرار می‌دهند (پیکان‌های خط چین در شکل شماره یک، نشانگر این امر هستند)، اما واقعیتی که موضوع افشاگری بر محور آن شکل گرفته است، پس از تحقق عینی خود (و یا در صورت تحقق‌نداشتن و شکل‌گیری یک افشاگری کاذب) مستقل از کنش‌های سه پایه یاد شده است و از آن‌ها تأثیر نمی‌گیرد، ولی قابلیت تأثیرگذاری بر پایه‌های یاد شده را دارد؛ به‌ویژه اگر تحقیقات بعدی بر صحت یا عدم صحت موضوع افشاگری پرتوی بیافکند و به سامان یافتن کنش‌های جدید حول نتیجه تحقیقات بیانجامد.

بر اساس دستگاه سه پایه‌ای بالا و کانون دو هسته‌ای آن، چهار نوع مقوله افشاگرانه را می‌توان از یکدیگر باز شناخت:

#### ۱. افشاگری حقیقی با بار مثبت:

این نوع از افشاگری هنگامی اتفاق می‌افتد که موضوع افشاگری در عالم واقع اتفاق افتاده باشد و افشاگری در خصوص آن موضوع، تأثیر مثبتی بر امنیت ملی داشته باشد. پدیده قتل‌های زنجیره‌ای مثال خوبی در این زمینه است.

#### ۲. افشاگری حقیقی با بار منفی: آن

نوع افشاگری است که موضوع آن ریشه در حقیقت دارد، اما آشکارسازی آن در جهت

تقویت امنیت ملی نیست. مانند فاش شدن قضیه ایران - کنترا در بحبوحه جنگ ایران و عراق.

### ۳. افشاگری کاذب با بار مثبت:

نوعی افشاگری تقلبی که بر پایه افترا و بهتان سامان یافته باشد، اما پیامدهای مثبتی بر امنیت ملی داشته باشد. این نوع افشاگری اگر هم نمونه‌ای در جهان خارج داشته باشد، به واسطه بی‌اخلاقی نهفته در آن کمتر قابل تطبیق با منفعت ملی است؛ به ویژه اگر مفاهیم هم‌پیوندی مانند «خیر عمومی» را در نظر بگیریم.

### ۴. افشاگری کاذب با بار منفی:

نوعی عمل به ظاهر افشاگرانه است که بر اساس اطلاعات کاذب پایه‌ریزی شده و آثار زیان‌باری برای امنیت ملی داشته باشد. برخی بحران‌سازی‌ها در خصوص برخی دولت‌ها و شخصیت‌های سیاسی پس از انقلاب در این دسته جای می‌گیرند.

بنابراین افشاگری هم می‌تواند بازخوردهای مثبت و هم بازخوردهای منفی داشته باشد. از این چشم‌انداز می‌توان به پدیده‌های افشاگرانه‌ای نظیر رسوایی واترگیت، افشاگری‌های ادوارد اسنودن، سایت ویکی لیکس، پست‌های الکترونیک هیلاری کلinton و غیره نگریست و آن‌ها را از زاویه امنیت ملی کشورهای مرجع و یا کشورهای متأثر از این وقایع، مورد تحلیل قرار داد.

### مقوله افشاگری و امنیت ملی

برای آشکار شدن بار مثبت و یا منفی یک پدیده افشاگرانه باید نوع رابطه آن با عناصر امنیت ملی را مد نظر قرار داد. از آنجا که افشاگری مقوله‌ای نرم‌افزاری است لذا با

ابعاد نرم‌افزاری امنیت ملی یعنی مشروعیت سیاسی، ظرفیت سیاسی و انسجام اجتماعی در تناظر قرار می‌گیرد. به این معنی که اگر پدیده افشاگرانه در جهت ارتقای سطوح مذکور عمل کند، دارای بار مثبت و اگر در جهت عکس به کار افتد، دارای بار منفی خواهد بود. بنابراین اگر ابعاد سه‌گانه امنیت ملی را به صورت زیر تعریف کنیم، می‌توانیم چارچوبی برای ارزیابی پدیده‌های افشاگرانه به دست دهیم.

**مشروعیت سیاسی:** مشروعیت سیاسی عبارت از آن است که اتباع، اقتدار دولت را پذیرفته، باور داشته باشند که نهادهای موجود کارکردهای خود را به شایستگی انجام می‌دهند، به قانون عمل می‌کنند و از لحاظ اخلاقی شایسته هستند.

**ظرفیت سیاسی:** به معنای قابلیت شناسایی و پردازش اطلاعات، گزینش و تدوین سیاست‌ها (دفاعی، خارجی یا داخلی)، کنترل، تخصیص و بسیج منابع و امکانات و سرانجام اجرای برنامه‌ها و به طور کلی عمل به وظایف دولت ملی است.

**انسجام اجتماعی:** به فقدان تفاوت‌های عمیق و غیر قابل سازش میان گروه‌های سیاسی و ناحیه‌ای - محلی که بر اساس آن‌ها هر گروه خود را بر مبنای ارزش‌ها و منافع مصالحه‌ناپذیر سیاسی و محلی و نه منافع ملی شکل می‌دهد، اشاره دارد.

### ارزیابی پدیده‌های افشاگرانه اخیر

با روشن شدن تعاریف مورد نظر می‌توانیم پدیده‌های افشاگرانه اخیر در ایران را از منظر امنیت ملی مورد ارزیابی قرار دهیم (البته با ذکر این نکته که ارزیابی حاضر تنها یکی از هسته‌های کانون سنجش مقوله افشاگری، یعنی امنیت ملی را دربر گرفته است و هسته دیگر این کانون یعنی نسبت‌یابی پدیده‌های افشاگرانه اخیر با واقعیت به دلیل پرهیز از جهت‌گیری‌های سیاسی، از این ارزیابی کنار گذاشته شده است). پرداخت‌های نجومی، املاک نجومی، حساب‌های قوه قضاییه، شائبه‌های مالی در خصوص ستاد انتخاباتی دولت کنونی و انتشار فایل صوتی جلسه محرمانه کمیسیون امنیت ملی، پنج نمونه برجسته افشاگری‌های اخیر هستند.

اگر حکومت به ایفای نقش قانونی خود در قبال پدیده‌های افشاگرانه نپردازد و تدابیر لازم را برای مقابله با آنها به کار نبرد، تمامی نمونه‌های افشاگرانه یادشده قابلیت آن را دارد که بر هر سه پارامتر نرم‌افزارانه امنیت ملی تأثیری منفی بر جای گذارد. با توجه به آنکه رقابت‌های انتخاباتی و سیاسی علت برخی از رویارویی‌های افشاگرانه اخیر بوده است،



قرار گرفتن این رویارویی‌ها بر محور شکاف‌های سیاسی، سامان‌یابی عمیق‌تر نیروهای سیاسی و اجتماعی حامی جریان‌های مختلف را بر سر این شکاف‌ها سبب می‌شود؛ چنان‌که موضع‌گیری‌های رسانه‌ها، احزاب، گروه‌ها و نخبگان سیاسی در ارتباط با وقایع ذکر شده، گواه این مدعاست. با متصل‌تر شدن تقابل‌های سیاسی، نوعی قطبی‌شدگی در عرصه سیاسی به وجود می‌آید که بر آیند نیروهای حاصل از آن در جهت عدم انسجام اجتماعی سیر می‌کند.

بازتاب پدیده‌های افشاگرانه در جامعه از چند جهت بر مشروعیت نظام سیاسی اثر منفی خود را به جای می‌گذارد. نخست از این جهت که افشار اجتماعی را به باور وجود روندهای پنهانی در درون حاکمیت می‌رساند و این انگاره را در سطح جامعه ایجاد می‌کند که حاکمان فارغ از نظارت اجتماعی و سیاسی، در صدد بهره‌برداری از موقعیت نهادی خود هستند. دیگر از آن جهت که تقابل‌های درون‌حاکمیتی، نوعی بی‌اعتمادی عمومی را نسبت به سیستم مستقر ایجاد می‌کند. این بی‌اعتمادی بیش از همه متوجه نهادهای نظارتی سیستم سیاسی است؛ زیرا جامعه را به این باور می‌رساند که اگر نهادهای نظارتی کارویژه‌های خود را به درستی انجام می‌دادند و یا نقصان و کاستی نهادی و سیستماتیک در امر نظارت سیستمی وجود نداشت، امکان انحرافات قابل افشا به حداقل می‌رسید. سرانجام اینکه تقابل‌های سیاسی با انحراف نیروهای کارکردی حکومت به سمت منازعات سیاسی، کارآمدی سیستم را کاهش داده و این امر نیز به نوبه خود مشروعیت سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. کاهش کارآمدی سیاسی علاوه بر مشروعیت، ظرفیت سیاسی را نیز از خود متأثر می‌سازد، زیرا فرایندهای جمع‌آوری و پردازش اطلاعات، بسیج امکانات و اجرای سیاست‌ها را کند می‌کند. بنابراین، اگر بخواهیم پدیده‌های افشاگرانه اخیر را در یکی از انواع افشاگری که از طریق متدولوژی مطرح شده، به آن رسیدیم، دسته‌بندی کنیم، باید نوع مواجهه حکومت با آنها را در نظر بگیریم؛ زیرا منفی یا مثبت بودن بار پدیده‌های افشاگرانه یادشده برای امنیت ملی، بسته به شیوه مواجهه حکومت با آنها دارد. اگر حکومت تدابیر لازم برای مقابله با این پدیده‌ها را اتخاذ کند و یا اطلاع‌رسانی لازم را در خصوص نادرستی یک افشاگری به نحوی قانع‌کننده انجام دهد، این اقدام مشروعیت سیاسی را افزایش داده و در جهت تقویت انسجام اجتماعی و ظرفیت سیاسی میل می‌کند. در غیر این صورت، همانطور که توضیح داده شد، افشاگری‌های اخیر قابلیت دسته‌بندی در نوع افشاگری با بار منفی را خواهند داشت. در این میان تنها موضوع

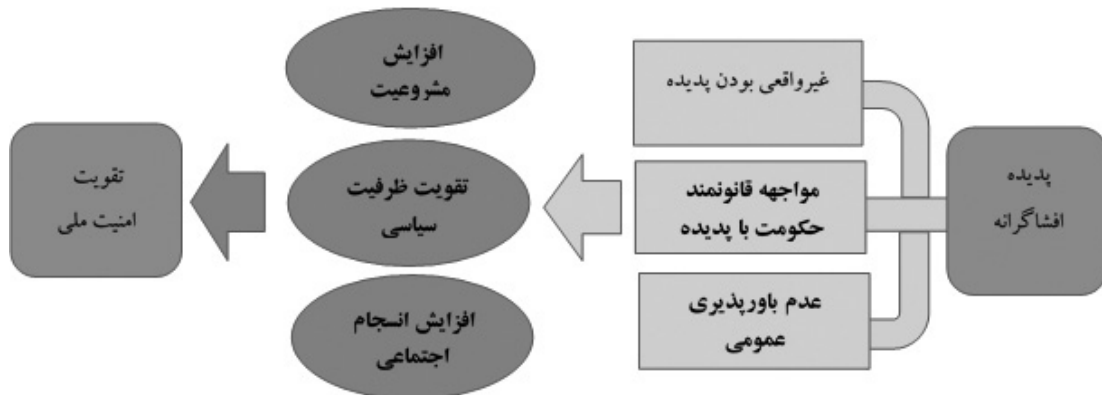
افشای موارد محرمانه کمیسیون امنیت ملی استثناست که بنا به ملاحظاتی که در ادامه توضیح داده خواهد شد در نوع افشاگری با بار منفی دسته‌بندی می‌شود. اگر فرض را بر واقعی بودن پدیده‌های افشاگرانه مورد ذکر قرار دهیم (فرضی که تنها جهت واکاوی پدیده‌های افشاگرانه در نظر گرفته شده و آن را نباید در حکم اعلام موضع قرار داد چنانکه در مواردی نظیر موضوع حساب‌های مالی قوه قضاییه، اعلام نظر قوای سه‌گانه بر غیر واقعی بودن این موضوع صحه گذاشته است)، نکته‌های ارائه‌شده فوق خواننده را در برابر دو پرسش اساسی قرار می‌دهد؛ پرسش نخست این که «آیا پرده‌پوشی انحراف‌های سیاسی و مالی راه حفاظت از امنیت ملی است؟» و پرسش دیگر این که «چه راهکار بنیادینی را باید در قبال پدیده‌های افشاگرانه در پیش گرفت؟»

با در نظر گرفتن فرض مطرح‌شده، پاسخ به پرسش اول در خصوص چهار مورد از پدیده‌های افشاگرانه ذکر شده، یعنی پرداخت‌های نجومی، املاک نجومی، حساب‌های قوه قضاییه، شائبه‌های مالی در خصوص ستاد انتخاباتی دولت، منفی است، ولی در مورد موضوع انتشار مفاد جلسه محرمانه کمیسیون امنیت ملی باید ملاحظات بیشتری را در نظر داشت. به طور قطع چهار مورد نخست، در صورت واقعیت‌داشتن، موارد فسادآوری تلقی می‌شوند و پرده‌پوشی آنها به معنای نادیده‌انگاری فساد و جلوگیری از اصلاح روندهای نادرست است که خود اسباب ناکارآمدی سیستم سیاسی و کاهش مشروعیت آن را به دنبال داشته و امنیت ملی را دچار آسیب می‌کند (در خصوص تنافر بار منفی پدیده‌های

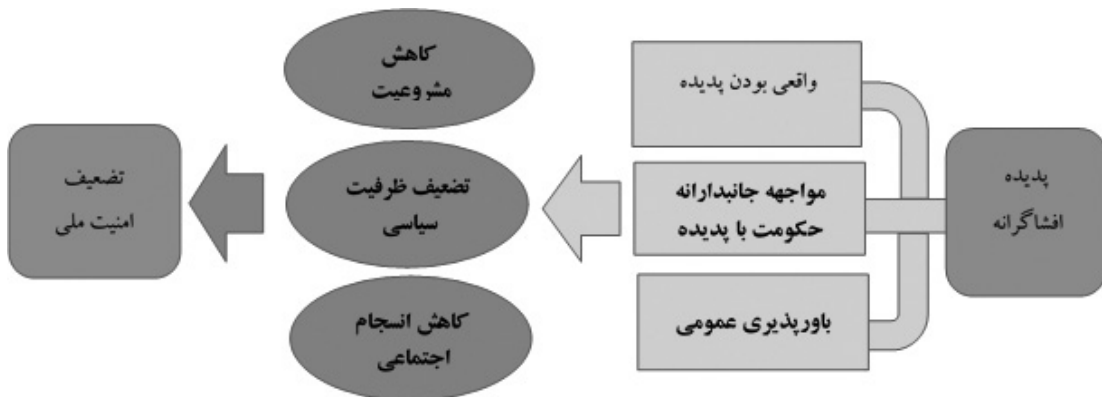
تقویت مکانیسم‌های نظارت مدنی و تحقق زمینه کارکرد مناسب و بدون وقفه این مکانیسم‌ها، از سوی دیگر است. در صورتی که نهادهای نظارتی مدنی مانند رسانه‌ها، احزاب، پارلمان و غیره، بنیان استواری در جامعه داشته باشند و فارغ از دخالت حکومت نقش نظارتی خود را ایفا نمایند، امکان فساد اداری و مالی در دستگاه حکومتی به حداقل خود می‌رسد و در این صورت پدیده‌های افشاگرانه محملی برای بروز پیدا نمی‌کنند. به عبارت دیگر، قوت نهادهای نظارت مدنی مانع انحراف‌های فسادگونه می‌شوند و با از میان برداشته شدن زمینه‌های فساد، پدیده‌های افشاگرانه مجالی برای ظهور نخواهند داشت.

افشاگرانه اخیر برای امنیت ملی و لزوم شفاف‌سازی آنها باید ظرافت تفاوت‌ها و هم‌پوشانی‌های امنیت حکومت و امنیت ملی در کشورهای کمتر توسعه یافته را در نظر گرفت). بنابراین، نمی‌توان هر نوع افشاگری را لزوماً امری مضموم و ناپسند دانست. از این‌رو، راه مقابله با چنین پدیده‌هایی (پاسخ پرسش دوم)، نه پرده‌پوشی آنها بلکه الزام قانونی نهادهای حاکمیتی به شفافیت مالی و اداری هرچه بیشتر از یک سو و ایجاد و

شکل شماره (۲): نحوه تأثیر مثبت پدیده افشاگرانه بر امنیت ملی



شکل شماره (۳): نحوه تأثیر منفی پدیده افشاگرانه بر امنیت ملی



## پیامدهای انتشار مفاد نشست محرمانه کمیسیون امنیت ملی مجلس و وزارت خارجه

همان‌گونه که گفته شد به دلیل سنخیت متفاوت موضوع رسانه‌ای شدن موارد مطروحه در نشست کمیسیون امنیت ملی و محرمان بودن این جلسه، باید ملاحظات متفاوتی را در این خصوص در نظر گرفت. به‌طور یقین تأکید بر محرمانه‌بودن به این معناست که در آن جلسه مواردی مطرح گردیده است که افشای آنها به زیان امنیت ملی است. حتی اگر برخی از اعضای کمیسیون مربوطه بنا به برداشت شخصی خود رسانه‌ای شدن موارد مطرح شده در این نشست را برای منافع ملی مضر تشخیص نمی‌دادند، رعایت نظر کلی کمیسیون امنیت ملی الزامی بود. آنچه که الزام در رعایت خواست کمیسیون امنیت ملی را به ما گوشزد می‌کند، آسیب‌هایی است که در نتیجه عدم رعایت این الزام متوجه امنیت و منافع ملی هستند:

۱. اعضای کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس و مقامات بلندپایه وزارت امور خارجه از تخصص و تجربه لازم در زمینه امنیت ملی و سیاست خارجی برخوردار هستند و به واسطه همین تخصص و تجربه است که در چنین جایگاهی قرار دارند؛ از این‌رو نظر جمعی آنها در خصوص محرمانه‌بودن مفاد یک جلسه، بنا به ملاحظات امنیتی و توجه به منافع ملی است. لذا حتی اگر برخی از اعضا برداشت شخصی متفاوتی داشته باشند (این امر کاملاً طبیعی بوده و نافی تجربه و تخصص این اعضا نیست)، همواره باید این امکان را در نظر بگیرند که ممکن است برداشت آنها اشتباه بوده باشد (با توجه به نظر غالب اعضای کمیسیون) و عمل مخالف آنها می‌تواند در جهت خلاف مصالح کشور سیر کند. ضمن این که باید احتمال درز اطلاعات امنیتی کشور را نیز در نظر داشته باشند.

۲. عمومی ساختن مواردی که یکی از مهم‌ترین کمیسیون‌های مجلس بر محرمانه‌بودن آن اصرار دارد، نوعی بی‌اعتمادی عمومی به مجلس شورای اسلامی و کمیسیون مربوطه را رقم خواهد زد. محتمل‌ترین پیامد این امر ملاحظه‌کاری نهادها و مسئولان در تعامل با مجلس شورای اسلامی و دوری‌جستن آن‌ها از صراحتی است که لازمه این تعامل است.

۳. عدم رعایت تصمیم‌های کمیسیون امنیت ملی، شأن و اعتبار این کمیسیون را مورد آسیب قرار می‌دهد.

۴. هنگامی که نمایندگان مجلس برخلاف تصمیم‌های جمعی اقداماتی را انجام دهند، شائبه جناحی‌بودن اقدام آنها تقویت می‌شود. حتی اگر آن نمایندگان بنا به تجربه و تخصص خود و با توجه به برداشتی که از منافع ملی دارند، چنین اقدامی انجام داده باشند، اما نوع اقدام آنها از یک سو و فرهنگ سیاسی و ساخت فکری بسیاری از افراد جامعه از سوی دیگر، چنین شائبه‌ای را ایجاد خواهد کرد. چنان که برخی رسانه‌ها تفسیرهای خود را تا به آنجا پیش بردند که آن را نتیجه برخورد شخصی نمایندگان مجلس با وزیر امور خارجه (به دلیل سابقه جدل‌های لفظی آنها در جلسات بررسی برجام) تلقی کردند.

## بنیان‌های اجتماعی پدیده‌های افشاگرانه

به‌طور کلی در خصوص پدیده‌های افشاگرانه و بروز اجتماعی آنها باید زمینه‌های فرهنگی و ساختاری را مورد ملاحظه قرار داد. به عبارت دیگر کاستی‌های ساختاری و کاستی‌های فرهنگی، ارکانی هستند که پدیده‌های افشاگرانه برپایه آنها بروز و نمود پیدا می‌کنند.

### افشاگری به مثابه کاستی ساختاری: افشاگری به عنوان یک پدیده

اجتماعی برآمده از ساختارهای غیرشفاف است. ضعف‌نهادهای مدنی و کاستی‌های قانونی دارای ضمانت اجرا، دو پایه بنیادین ساختارهای غیر شفاف هستند. در یک بستر اجتماعی که نهادهای مدنی از قوت لازم برخوردار بوده و وظایف خود را به نحو احسن به انجام می‌رسانند، پدیده‌های افشاگرانه قابلیت رشد و نمو نخواهند

قوانین باید حد و حدود افشاگری‌ها را مشخص ساخته و ضوابط لازم برای مقابله با بی‌اخلاقی‌های موجود در این زمینه را فراهم آورد. آشکار است که برخورد قانونی با موارد این چنینی امکان بهره‌گیری از ابزارهای غیراخلاقی برای رقابت‌های سیاسی را کاهش خواهد داد.

تا زمانی که ساختارهای غیر شفاف پابرجا هستند، افشاگری لزوماً امری مضموم و ناپسند نیست و حتی می‌تواند به تقویت امنیت ملی کشورها یاری رساند اگرچه شواهد فراوانی را نیز می‌توان برشمرد که پدیده‌های افشاگرانه امنیت ملی کشورها را با آسیب روبه‌رو کرده‌اند. این امر به‌ویژه زمانی اتفاق می‌افتد که اسناد و اطلاعات محرمانه نظامی و امنیتی آشکار می‌شوند و یا بی‌اخلاقی‌های سیاسی منشأ بروز این پدیده‌ها می‌گردند.

یکی دیگر از ویژگی‌های فرهنگ سیاسی موجود در جامعه ما، تمرکز برخی نخبگان و گروه‌های سیاسی بر تخریب رقبا به جای تمرکز بر افزایش توانایی‌های سیاسی و توجه به ضرورت ارائه راهکارها برای حل مسائل و مشکلات جامعه است. این نقیصه فرهنگی یکی از خاستگاه‌های مقوله افشاگری است که این مقوله را به سمت افشاگری‌های کاذب یا افشاگری‌های دارای بار منفی سوق می‌دهد. در نتیجه این امر است که منافع ملی تابع منافع گروهی و شخصی می‌شود و جنگ قدرت بدون توجه به ضرورت‌های همگانی و منافع ملی جایگزین تدبیرها برای مقابله با کاستی‌ها و مشکلات می‌گردد. در اینجا است که تفاوت‌های میان انواع افشاگری معنادار می‌شود و نحوه سنجش آنها اهمیت می‌یابد و پیوندهای این مقوله با ناکارآمدی سیستم سیاسی آشکار می‌شود. این هم‌پیوندی (که البته در ملازمت با فرهنگ سیاسی اتفاق می‌افتد) گویای اهمیت راهبردی توجه به هر دو مقوله فرهنگ سیاسی و پدیده افشاگری است.

داشتن زیرانهادهای نظارتی امکان انحرافات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی را کمینه می‌سازند و هنگامی که این انحرافات زمینه بروز نداشته باشند، پدیده‌های افشاگرانه نیز موضوعیت خود را از دست داده و قابلیت تحقق نخواهند داشت.

لازمه کارکرد مناسب نهاد‌های مدنی، شفافیت روندهای سیاسی و اقتصادی است. اگر نهاد‌های حکومتی و روندهای سیاسی و اقتصادی از شفافیت لازم برخوردار نباشند، امکان لازم را از نهاد‌های مدنی برای ایفای نقش نظارتی خود سلب می‌کنند. ایجاد مبانی قانونی جامعی که از ضمانت اجرایی کافی نیز برخوردار باشند، گامی اساسی در جهت خلق ساختارهای شفاف است. بنابراین پی‌ریزی ساختارهای شفاف دربرگیرنده دو بعد اساسی است که مکمل یکدیگرند و باید به موازات هم سامان یابند: نخست، تقویت نهاد‌های مدنی و دیگری، ایجاد لوازم قانونی قابل اجرا. از این طریق است که شفافیت به امری ساختاری تبدیل می‌شود و ساختارهای غیرشفاف که بستر پدیده‌های افشاگرانه هستند، مورد ساخت‌شکنی قرار می‌گیرند.

**افشاگری به مثابه کاستی فرهنگی:** افشاگری‌های غیر معقول، به ویژه افشاگری‌هایی که مبنای دقیقی به لحاظ انطباق با واقعیت ندارند، برآمده از بی‌اخلاقی‌هایی هستند که ریشه در فرهنگ یک جامعه دارند. ضعف فرهنگ سیاسی، خاستگاه چنین رفتارهای است. علاوه بر تلاش برای فرهنگ‌سازی مناسب، توجه به الزامات قانونی برای مقابله با این بی‌اخلاقی‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

واکنش نیروهای سیاسی و افراد به پدیده‌های افشاگرانه جلوه‌هایی از فرهنگ سیاسی تبعی را به نمایش می‌گذارد. در جامعه ایران، رویکرد جناحی ملاک واکنش مثبت یا منفی به یک پدیده افشاگرانه است. گرایش‌ها و تمایلات سیاسی هستند که جهت‌گیری اغلب افراد و گروه‌های سیاسی را نسبت به مقوله‌ها و پدیده‌های سیاسی شکل می‌دهند، نه تعمیق و تأمل در این مقوله‌ها و دست‌یابی به یک نتیجه تحلیلی و منطقی. به سخن دیگر، به محض ظهور یک پدیده افشاگرانه، گروه‌های سیاسی، رسانه‌ها و افراد بدون توجه به نسبت این پدیده با واقعیت و بدون تأمل در جنبه‌های گوناگون این امر، بر محور تقابل‌های جناحی سامان می‌یابند. این امر ضمن تقویت فرهنگ شایعه‌سازی و تشدید قطبی‌شدگی (که در بالا مورد اشاره قرار گرفت)، سبب می‌شود که حقیقت در کوران تقابل‌های سیاسی همواره مستور و پوشیده باقی بماند. بنابراین اگر پدیده افشاگرانه از جنبه‌هایی، قابلیت اصلاح برخی انحرافات را داشته باشد، با تقلیل آن به یک موضوع جناحی، این قابلیت سلب شده و در روندی تناقض‌آمیز دست‌آویزی برای بهره‌برداری سوءاستفاده‌گران از فضای خاکستری می‌شود. در اینجاست که شیوه مواجهه دولت با یک پدیده افشاگرانه اهمیت می‌یابد؛ چراکه دولت با اتخاذ رویکردی غیرسیاسی نسبت به موضوع و ایفای نقش قانونی خود در این خصوص، خصلت جناحی بودن را از موضوع زدوده و قابلیت اصلاح‌کنندگی آن را احیا می‌کند.

### نتیجه‌گیری

شفافیت و افشاگری دو مقوله جدا از هم هستند. اساساً پدیده افشاگری در ارتباط با ساختارهای اجتماعی و سیاسی غیرشفاف معنا و مفهوم پیدا می‌کند. زیرا وجود شفافیت، امکان انحراف‌های سیاسی، اقتصادی و اخلاقی را به حداقل رسانده و موضوعیت پدیده افشاگری را از میان برمی‌دارد. بنابراین شیوه بنیادین مقابله با پدیده افشاگری، ایجاد ساختارهای سیاسی و اجتماعی شفاف، یعنی تقویت نهادهای نظارت مدنی و بسترسازی برای ایفای نقش آنها از یک سو و الزام قانونی نهادهای حاکمیتی برای شفاف‌سازی روندهای اداری و مالی خود از سوی دیگر است.

اگر مقوله افشاگری را در قالب انتزاعی‌اش (فارغ از نسبت آن با ساختارهای غیرشفاف) در نظر بگیریم، می‌توانیم با توجه به نسبت این

مقوله با واقعیت و آثاری که بر منافع ملی و یا امنیت ملی برجای می‌گذارند، به دسته‌بندی آنها اقدام کنیم. این شیوه ما را به این نتیجه می‌رساند که تا زمانی که ساختارهای غیر شفاف پابرجا هستند، افشاگری لزوماً امری مضموم و ناپسند نیست و در مواردی نیز توانسته است به تقویت امنیت ملی کشورها یاری رساند. اما موارد عکس این روند نیز نادر نبوده‌اند، شواهد فراوانی را می‌توان برشمرد که پدیده‌های افشاگرانه امنیت ملی کشورها را با آسیب روبه‌رو کرده‌اند. این امر به‌ویژه زمانی اتفاق می‌افتد که اسناد و اطلاعات محرمانه نظامی و امنیتی آشکار می‌شوند و یا بی‌اخلاقی‌های سیاسی منشأ بروز این پدیده‌ها می‌گردند. لذا به موازات تلاش برای استقرار ساختارهای شفاف باید راهکارهای دیگری را برای مقابله با آثار منفی این پدیده‌ها در نظر گرفت. ایجاد ضوابط قانونی لازم برای جلوگیری از بی‌اخلاقی‌های مرتبط با این مقوله و تلاش برای ارتقای فرهنگ سیاسی جامعه از راه‌های مقتضی، از جمله این راهکارها هستند.

